

# مرگ

## حقیقت مرگ

مرگ یکی از روشن‌ترین اموری است که تمامی انسان‌ها در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند و مرگ اطرافیان خویش را به چشم می‌بینند. باید توجه داشت بعضی از مفاهیم با وجود بداهتی که دارند و برای همگان روشن هستند، اما تعریف کردن آن‌ها و پی به حقیقت آن‌ها بردن، امری است در نهایت سختی و دشواری. به‌عنوان مثال یکی از اموری که فلاسفه آن‌را از امور بدیهی شمرده‌اند مفهوم "وجود" است. اما این که حقیقت وجود چیست، بحثی است که قرن‌هاست ذهن حکمای بزرگ را به خود مشغول نموده است. بنابراین موت که مقابل حیات است از اموری است که پی بردن به چیستی و ژرفای آن برای کسی میسر نشده است و هر تعریفی که از آن ارائه شده، تعریف به آثار و عوارض آن است نه تعریف به حقیقت و ذات آن. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که سرآمد اولیاء الهی است درباره‌ی مجهول بودن چیستی مرگ چنین فرموده است:

«أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّ أَمْرٍ لَاقٍ مَا يَفِرُّ مِنْهُ فِي فِرَارِهِ الْأَجَلُ مَسَاقُ النَّفْسِ وَالْهَرَبُ مِنْهُ مُوَفَّاتُهُ كَمَا أَطْرَدَتْ الْأَيَّامَ أَبْحَثُهَا عَنْ مَكْنُونٍ هَذَا الْأَمْرِ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا إِخْفَاءَهُ هَيْهَاتَ عِلْمٍ مَحْزُونٍ - ای مردم! هر کس از مرگ بگریزد، به هنگام فرار آن را خواهد دید، اجل سر آمدن زندگی و فرار از مرگ رسیدن به آن است، چه روزگاری که در پی گشودن راز نهفته‌اش بودم اما خواست خداوند جز

پنهان ماندن آن نبود، هیهات! که این، علمی پنهان است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۹)

شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی حقیقت و ماهیت مرگ چنین فرموده‌اند:

«مرگ چیست؟ آیا مرگ نیستی و نابودی و فنا و انهدام است یا تحول و تطور و انتقال از جایی به جایی و از جهانی به جهانی؟ قرآن کریم پاسخ ویژه‌ای با تعبیر خاصی درباره‌ی ماهیت مرگ دارد. قرآن در این مورد کلمه «توقی» را به کار برده و مرگ را توقی خوانده است. توقی و استیفاء هر دو از یک ماده‌اند (وفاء). هرگاه کسی چیزی را به کمال و تمام و بدون کم و کسر دریافت کند و به اصطلاح آن را استیفاء نماید، در زبان عربی کلمه توقی را به کار می‌برند. "تَوَقَّيْتُ الْمَالَ" یعنی تمام مال را بدون کم و کسر دریافت کردم. در چهارده آیه از آیات قرآن کریم این تعبیر در مورد مرگ آمده است. از همه‌ی آن‌ها چنین استنباط می‌شود که مرگ از نظر قرآن تحویل گرفتن است؛ یعنی انسان در حین مرگ، به تمام شخصیت و واقعیتش در تحویل مأموران الهی قرار می‌گیرد و آنان انسان را دریافت می‌کنند. از این تعبیر قرآن مطالب زیر استنباط می‌شود:

الف) مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر و از نشئه‌ای به نشئه دیگر است و حیات انسان به گونه‌ای دیگر ادامه می‌یابد.

ب) آن‌چه شخصیت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد و "من" واقعی او محسوب می‌شود، بدن و جهازات بدنی و هرچه از توابع بدن به‌شمار می‌رود نیست، زیرا بدن و جهازات بدنی و توابع آن‌ها به جایی تحویل نمی‌شوند و در همین جهان تدریجاً منهدم می‌گردند. آن چیزی که شخصیت واقعی ما را تشکیل می‌دهد و "من" واقعی ما محسوب می‌شود، همان است که در قرآن از آن به "نفس" و احیاناً به "روح" تعبیر شده است.

ج) روح یا نفس انسان که ملاک شخصیت واقعی انسان است و جاودانگی انسان به واسطه جاودانگی اوست، از نظر مقام و مرتبه وجودی در افقی مافوق افق ماده و مادیات قرار گرفته است. با مرگ، روح یا نفس به نشئه‌ای که از سنخ و نشئه روح است منتقل می‌شود و به تعبیر دیگر، هنگام مرگ، آن حقیقت مافوق مادی بازستانده و تحویل گرفته می‌شود. قرآن کریم در برخی آیات دیگر که درباره‌ی خلقت انسان بحث کرده و مربوط به معاد و حیات اخروی نیست، این مطلب را گوشزد کرده که در انسان حقیقتی هست از جنس و سنخ ماورای جنس آب و گل. درباره آدم اول می‌گوید: وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي - از روح خود در او دمیدم. (الحجر/۲۹ و ص/۷۲)

مسئله‌ی روح و نفس و بقای روح پس از مرگ، از امّهات معارف اسلامی است. نیمی از معارف اصیل غیرقابل انکار اسلامی بر اصالت روح و استقلال آن از بدن و بقاء بعد الموت آن استوار است، همچنان که انسانیت و ارزش‌های واقعی انسانی بر این حقیقت استوار است و بدون آن، همه آن‌ها موهوم محض است. تمام آیاتی که صریحاً زندگی بلافاصله پس از مرگ را بیان می‌کنند - که نمونه‌هایی از آن‌ها را در این جا می‌آوریم - دلیل است که قرآن روح را واقعیتی مستقل از بدن و باقی بعد از فنای بدن می‌داند.

اکنون سه آیه از چهارده آیه‌ای که در آن‌ها تعبیر «توقّی» آمده است را می‌آوریم.

۱- «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي الْأَرْضِ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا - همانا کسانی که در حالی که ستمگر بر خود بودند فرشتگان (مأموران خدا) آنان را به تمام و کمال دریافت کردند. فرشتگان به آن‌ها گفتند: در چه وضعی بسر می‌بردید؟ آنان گفتند: ما مردمی زبون و زیردست و محکوم محیط بودیم. فرشتگان به آن‌ها گفتند: آیا زمین خدا فراخ نبود که بدانجا کوچ کنید؟ پس جایگاه آن‌ها جهنم است و بد سرانجامی است.» (نساء/۹۷)

در این آیه از مرگ به "توقّی" یعنی تحویل و دریافت تعبیر شده است. این آیه گذشته از این که از مرگ با کلمه "توقّی" تعبیر کرده است، رسماً از یک جریان مکالمه و احتجاج میان فرشتگان و انسان در لحظات پس از مرگ سخن می‌گوید. بدیهی است که اگر واقعیت انسان باقی نباشد و همه واقعیت انسان لاشه بی‌حس و بی‌شعور باشد، مکالمه معنی ندارد.

۲- «وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ\* قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ - آن‌ها گفتند: آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! ولی آنان لقای پروردگارش را انکار می‌کنند (و می‌خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند).\* بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد؛ سپس شما را به سوی پروردگارتان باز می‌گرداند.» (سجده/۱۰ و ۱۱)

در این آیه، قرآن کریم یکی از اشکالات و شبهات منکران را در مورد معاد و حیات اخروی ذکر می‌کند و پاسخ می‌گوید. شبهه این است که پس از مرگ هر ذره ما نابود می‌شود، به جایی می‌رود و اثری از ما نیست، چگونه ممکن است مورد آفرینش تازه‌ای قرار گیریم؟ پاسخ قرآن ضمن اشاره به این که این شبهات بهانه‌جویی‌هایی است که در اثر حالت

عناد و انکار ابراز می‌دارند، این است که برخلاف ادعای شما، شما (من واقعی و شخصیت واقعی شما) آن چیزی نیست که شما فکر می‌کنید گم می‌شود. شما به تمام شخصیت و کل واقعیت در اختیار فرشته خدا قرار می‌گیرید. مقصود شبهه‌کنندگان از گم شدن این است که هر ذره‌ای از بدن ما به جایی می‌افتد و اثری از آن باقی نمی‌ماند، پس چگونه این بدن ما را بار دیگر زنده می‌کنند؟ به عبارت دیگر، سخن شبهه‌کنندگان این است که با متفرق شدن اجزاء بدن، شخصیت واقعی ما نیست و نابود می‌شود.

قرآن در این جا این‌گونه پاسخ می‌گوید که برخلاف گمان شما شخصیت واقعی شما هیچ‌وقت گم نمی‌شود تا نیازی به پیدا کردن داشته باشد؛ از اول در اختیار فرشتگان ما قرار می‌گیرد. این آیه نیز در کمال صراحت بقای شخصیت واقعی انسان (بقای روح) را پس از مرگ، علی‌رغم فانی شدن اعضای بدن، ذکر می‌کند.

۳- «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تُمُتْ فِي مَمَاتِهَا فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» - خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می‌گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! (زمر/۴۲)

این آیه شباهت و سنخیت خواب و مرگ و ضمناً شباهت و سنخیت بیداری و بعث اخروی را بیان می‌کند. خواب، مرگ ضعیف و کوچک است و مرگ، خواب شدید و بزرگ، و در هر دو مرحله، روح و نفس انسان از نشئه‌ای به نشئه دیگر انتقال می‌یابد با این تفاوت که در حین خواب، انسان غالباً توجه ندارد و هنگامی که بیدار می‌شود نمی‌داند که در حقیقت از سفری بازگشته است، برخلاف حالت مرگ که همه چیز بر او روشن است.

از مجموع این سه آیه کاملاً می‌توان فهمید که ماهیت مرگ از نظر قرآن نیستی و نابودی و تمام شدن نیست، بلکه انتقال از نشئه‌ای به نشئه دیگر است. ضمناً ماهیت خواب از نظر قرآن نیز روشن شد، و معلوم شد که خواب هرچند از نظر جسمی و ظاهری تعطیل قوای طبیعت است، ولی از نظر روحی و نفسی نوعی گریز و رجوع به باطن و ملکوت است. مسئله خواب نیز مانند مسئله مرگ از نظر علم از مجهولات است. آنچه علم در این زمینه می‌شناسد قسمتی از جریانات جسمانی است که در قلمرو بدن صورت می‌گیرد.

پایان مطلب شهید مطهری - مجموعه آثار، ج ۲، ص ۵۱۵ تا ۵۱۹ (همراه با تغییر و تلخیص)

### ماهیت مرگ از دیدگاه روایات

#### (۱) بزرگ‌ترین شادمانی یا بزرگ‌ترین هلاکت

«سئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ مَا الْمَوْتُ الَّذِي جَهْلُوهُ قَالَ أَعْظَمُ سُرُورٍ يَرِدُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ تُقْلَبُوا عَنْ دَارِ التَّكْدِيرِ إِلَى نَعِيمِ الْأَبَدِ وَ أَعْظَمُ تُبُورٍ يَرِدُ عَلَى الْكَافِرِينَ إِذْ يُقْلَبُوا عَنْ جَنَّتِهِمْ إِلَى نَارٍ لَا تَبِيدُ وَ لَا تُنْفَدُ - از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیده شد: مرگ چیست که مردم آن را نمی‌شناسند؟ فرمود: یا بزرگ‌ترین شادمانی است که بر مؤمنین وارد می‌آید، زیرا از سرای رنج (دنیا) به نعمت‌های جاودان آخرت منتقل می‌گردند، و یا بزرگ‌ترین هلاکتی است که بر کافران وارد می‌آید. زیرا از بهشت خودشان (دنیا) به عذاب و جهنمی منتقل می‌شوند که نه نابودی دارد و نه پایانی.» (معانی الاخبار، ص ۲۸۸)

#### (۲) پل گذر از سختی‌ها

امام حسین علیه‌السلام فرمود: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا فَنَطْرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ - پایداری کنید! ای گرامی زادگان، مرگ چیزی نیست جز پلی که شما را از سختی و آسیب می‌گذراند، و به بهشت عظیم و نعمت‌های جاودان می‌رساند، کدام‌یک از شما دوست ندارد، که از زندانی به قصر منتقل گردد؟!» (تحف العقول ص ۵۳)

#### (۳) در آوردن لباس چرک

«قِيلَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ مَا الْمَوْتُ قَالَ لِلْمُؤْمِنِ كَنَزَعِ ثِيَابٍ وَسِخَةَ قَمَلَةٍ وَ فَكُّ قَيْدٍ وَ أَعْلَالِ ثَقِيلَةٍ وَ الِاسْتِبْدَالِ بِأَفْخَرِ الثِّيَابِ وَ أَطْيَبِهَا رَوَائِحَ وَ أَوْطَلِ الْمَرَآكِبِ وَ آتَسِ الْمَنَازِلِ وَ لِلْكَافِرِ كَخَلْعِ ثِيَابٍ فَآخِرَةٍ وَ الثَّقَلِ عَنْ مَنَازِلِ أُنَيْسَةٍ وَ الِاسْتِبْدَالِ بِأَوْسَخِ الثِّيَابِ وَ أَخْشَنَهَا وَ أَوْحَشِ الْمَنَازِلِ وَ أَعْظَمِ الْعَذَابِ - شخصی به علی بن الحسین علیه‌السلام عرض کرد: مرگ چیست؟ فرمود: برای مؤمن، مانند از تن در آوردن لباس چرکین و پر از شپش، و رهایی از قیدها و زنجیرهای گران و ملبس شدن به فاخرترین لباس و (بوئیدن) خوشبوترین بوی‌ها، و سوار شدن بر (رام‌ترین) مرکب‌ها و مأوا گرفتن در مأنوس‌ترین منازل، و برای کافران مانند از تن به‌در آوردن لباس‌های فاخر و انتقال از منزل‌های مأنوس و بر تن کردن چرکین‌ترین و زبرترین لباس‌ها، و رفتن به وحشتناک‌ترین منازل، و (چشیدن) سخت‌ترین شکنجه‌هاست.» (اعتقادات‌الإمامیه "للصدوق" ص ۵۳)

#### ۴) وسیله خالص نمودن

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الْمَوْتَ هُوَ الْمَصْفَاةُ: يُصَفِّي الْمُؤْمِنِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، فَيَكُونُ آخِرُ أَلَمٍ يُصِيبُهُمْ كَفَّارَةً آخِرٍ وَزُرٍّ عَلَيْهِمْ. وَ يُصَفِّي الْكَافِرِينَ مِنْ حَسَنَاتِهِمْ، فَتَكُونُ آخِرُ لَذَّةٍ أَوْ نِعْمَةٍ أَوْ رَحْمَةٍ تَلْحَقُهُمْ هُوَ آخِرُ ثَوَابٍ حَسَنَةٍ تَكُونُ لَهُمْ - مرگ وسیله صاف نمودن است، خالص می‌کند مؤمنان را از گناهان، و آخرین دردی است که می‌رسد به ایشان و کفاره آخرین و بالای است که بر ایشان بوده و خالص می‌نماید کافران را از حسنات آن‌ها و می‌باشد آخرین لذت یا نعمت یا رحمت یا راحتی که می‌رسد به آن‌ها و آن آخر ثواب حسنه‌ای است که می‌باشد برای آن‌ها.» (اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، ج ۱، ص ۵۴)

#### ۵) حمام

«حضرت امام علی النقی علیه السلام بر بالین مریضی از اصحاب خود وارد شدند در وقتی که می‌گریست و جزع از مرگ می‌نموده، پس آن حضرت فرمود: ای بنده خدا از مرگ می‌ترسی به علت این که آن را نمی‌شناسی آیا خود را چنان می‌بینی که چون چرکین شود جامه تو و کثیف گردد و متادی شود از شدت کثافت و چرک و بدنت جراحت و جرب شود و بدانی که شستشوی حمام همه‌ی این‌ها را زائل می‌نماید، آیا در این صورت نمی‌خواهی به حمام روی و این‌ها را از خود بشوئی. آیا بر تو شاق نیست که به حمام نروی و این‌ها بر تو بجا بماند؟ عرض نمود بلی یابن رسول الله (ص) فرمود: پس مرگ همان حمام است و آن آخر فقره‌ایست که باقی بوده بر تو از صاف نمودن گناهان تو و پاکیزه ساختن تو از بدی‌های تو، پس چون تو وارد شدی بر مرگ و از آن گذشته نجات یافتی از هر غمی و همی اذیتی و رسیدی به هر شادی و فرحی، در آن حال آن مرد آرام گرفت و نشاط یافت و تن در داد و چشم خود را بر هم نهاد و روانه راه آخرت گردید.» (اعتقادات الإمامیه، ج ۱، ص ۵۶)

**توجه:** واضح است که هیچ کدام از این تعبیرات و تفسیرات، بیانگر حقیقت و ماهیت مرگ نیست، بلکه این تعابیر برای آن است که مانع از کج فهمی در مورد مرگ شود؛ زیرا برخی مردن را معادل نیستی می‌دانند. پیشوایان معصوم علیهم السلام با این تعابیر و تشبیهات در مورد مرگ، این پندار باطل را رد نموده، و مرگ را از پوست به در آمدن و تغییر منزل دادن معرفی فرموده‌اند، نه پوسیدن. اما در مورد چگونگی و کیفیت آن، همان‌گونه که امیرمؤمنان فرمود: «هَيَّاتَ عِلْمٌ مَخْرُونٌ - هیهات! که این، علمی پنهان است»، و خدای متعال آن را از انسان مخفی نموده است.

## عمومیت مرگ

قرآن کریم مرگ را یک قانون کلی و فراگیر الهی می‌داند و می‌فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ - هر کسی مرگ را می‌چشد.» (ال عمران/۱۸۵)

در جای دیگر می‌فرماید:

«أَيُّمَّا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ - هر جا باشید، مرگ شما را

درمی‌یابد؛ هر چند در برج‌های محکم باشید!» (نساء/۸۷)

«نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْوُوقِينَ - ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم و

هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد!» (واقعه/۶۰)

«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ - بگو: «این مرگی که از آن فرار می‌کنید

سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد» (جمعه/۸)

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به ترس از پروردگاری که بر تن شما جامه‌ها

پوشاند، و اسباب زندگی‌تان را آماده گرداند. پس اگر کسی راهی به زندگانی جاودان

می‌یافت، و یا توانست پنجه مرگ را برتافت، او سلیمان پسر داود می‌بود، که پادشاهی پری و

آدمی وی را مسخر گردید، یا پیامبری و منزلت بزرگ که بدو رسید. چون آن‌چه روزی او بود

خورد، و مدتی را که باید بماند به پایان برد، کمان‌های مرگ تیرهای نیستی بر او باراند، و

خانه‌ها از او تهی ماند. مسکن‌ها خالی گردیدند، و مردمی دیگرشان به ارث بردند - و در آن

آرمیدند - و همانا در روزگاران گذشته برای شما پند است، کجایند عملاقیان و فرزندان

عملاقیان؟ کجایند فرعونیان و فرزندان فرعونیان؟ کجایند مردمی که در شهرهای رس بودند؟

پیامبران را کشتند، و سنت فرستادگان خدا را میراندند. و سیرت جباران را زنده کردند.

کجایند آنان که با سپاهیان به راه افتادند و هزاران تن را شکست دادند. سپاه‌ها به راه

انداختند، و شهرها ساختند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

بنابراین زندگانی جاویدان در این سرا، برای کسی ممکن نیست و اگر خداوند می‌خواست

به کسی زندگانی جاویدان در این دنیا دهد، سزاوار بود به جناب رسول ختمی مرتبت

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که اشرف خلائق و اکمل آنان است مرحمت می‌فرمود در حالی که در

قرآن خطاب به آن جناب این‌گونه می‌فرماید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِيَّاهُمْ مَيِّتُونَ - تو می‌میری و آن‌ها

نیز خواهند مرد!» (زمر/۳۰)

## مراحل مرگ

### ۱) سكرات

از جمله عقبات و مراحل مرگ، عقبه سكرات موت است. سكرات موت، به سختی‌های هنگام جان دادن و بی‌هوشی‌ها و مستی‌های هنگام مرگ گفته می‌شود.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی سكرات مرگ چنین می‌نویسد:  
مرحله اول مرگ، شدت جان‌کندن است؛ «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ - و سرانجام، سكرات (و بیخودی در آستانه) مرگ به‌حق فرامی‌رسد (و به انسان گفته می‌شود): این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی!» (ق/۱۹) این مرحله‌ای است بسیار دشوار که شدائد و سختی‌ها از هر طرف به محتضر رو می‌کند؛ از طرفی شدت مرض و درد و بسته شدن زبان و رفتن قوا از اندام، از طرف دیگر گریستن اهل و عیال و وداع آن‌ها با او و غم یتیمی و بی‌کس شدن بچه‌های خود، از طرف دیگر غم جدا شدن از مال و منزل و املاک و اندوخته‌ها و چیزهای نفیس خود که عمر عزیز خود را صرف به‌دست آوردن آن‌ها کرده و چه بسا که بسیاری از آن‌ها مال مردم بود که با ظلم و غصب، آن‌ها را مالک شده و چه‌قدر حقوق بر اموال او تعلق گرفته و نداده، حال ملتفت خرابی‌های کار خود شده که کار گذشته و راه اصلاح آن‌ها بسته شده.

امیرالمومنین علیه‌السلام در این خصوص فرموده است: «به یاد ثروت‌هایی که جمع کرده می‌افتد، همان ثروت‌هایی که در جمع‌آوری آن‌ها چشم بر هم گذاشته و از حلال و حرام و شبهه ناک گرد آورده و اکنون گناه جمع‌آوری آن همه بر دوش اوست که هنگام جدایی از آن‌ها فرا رسیده، و برای وارثان باقی مانده است تا از آن به‌رمند گردند، و روزگار خود گذرانند. راحتی و خوشی آن برای دیگری و کیفر آن بر دوش اوست.» (نهج‌البلاغه خطبه ۱۰۹)  
و از طرفی ترس ورود به جایی که غیر از این دنیا است و چشمش چیزهایی را می‌بیند که پیش از این نمی‌دید «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ - و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!» (حدید/۲۲)

حضرت رسول و اهل بیت او و ملائکه رحمت و ملائکه غضب را حاضر می‌بیند تا درباره‌ی او چه حکم شود و چه سفارشی نمایند، و از طرف دیگر، شیطان و یارانش برای آن‌که او را به شک اندازند جمع شده‌اند و می‌خواهند کاری کنند که بی‌ایمان از دنیا برود، و از طرفی وحشت از آمدن ملک‌الموت دارد که آیا به چه هیئت خواهد بود، و به چه نحو جان



او را خواهد گرفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: « فَاجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ سَكَرَاتُ الْمَوْتِ فَعَبَّرَ مُؤْصِفٍ مَا نَزَلَ بِهِ - آن چه بر آنان فرود می آید وصف ناشدنی می باشد، تلخی و سختی جان دادن و افسوس آن چه از دست آنان می رود، ایشان را فرا می گیرد. » (بحار الانوار ج ۷۰ ص ۱۰۹)

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام را درد چشمی عارض شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به عیادت آن حضرت تشریف برد. او را دید که صیحه و فریاد می کشد، فرمود که آیا این صیحه، جزع و بی تابی است یا از شدت درد است؟ امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله من هنوز دردی نکشیده ام که سخت تر از این درد باشد. فرمود یا علی، چون ملک الموت برای گرفتن روح کافر نازل شود سیخی از آتش را با خود بیاورد و با آن سیخ روح او را بیرون کشد پس صیحه کشد! حضرت امیرالمؤمنین چون این را شنید برخاست و نشست و گفت: یا رسول الله دوباره حدیث را بر من بخوان سپس گفت: آیا از امت شما کسی به این نحو قبض روح می شود؟ فرمود: بلی حاکمی که جور کند و کسی که مال یتیم را به ظلم و ستم بخورد و کسی که شهادت دروغ دهد.»

### و اما چیزهایی که سبب آسانی سكرات موت است از جمله:

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر که بخواهد که حق تعالی بر او سكرات مرگ را آسان کند باید **صله ارحام** و خویشان خود کند، و به **پدر و مادر خود نیکی** و احسان نماید، پس هر گاه چنین کند خداوند دشواری های مرگ را، بر او آسان کند و در حیات خود فقر به او نرسد.» (امالی ص ۳۸۹)

و دیگر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر کس جامه زمستانی یا تابستانی را بر برادر خود بپوشاند، خداوند او را از جامه های بهشتی می پوشاند و سكرات مرگ را بر او آسان می کند و قبرش را گشاد می سازد.» (اصول کافی ج ۲ ص ۲۰۴)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که برادر خود را حلوانی بخورد حق تعالی تلخی مرگ را از او برطرف می کند.» (بحار الانوار ج ۶۳ ص ۲۸۸)

در خصوص چیزهایی که سختی های مرگ را کاهش می دهد در این کتاب بحث مفصلی شده است که طالبین می توانند به آن مراجعه نمایند.

پایان قسمت اول سخن شیخ عباس قمی رحمت الله علیه - کتاب منازل الاخره منزل اول، سفر مرگ

## علت سكرات موت نسبت به مومنين

بسیاری از شیعیان با وجود آن که انسان‌های خوب و پرهیزکاری هستند، اما تخلفاتی از آنان سرزده و ناخالصی‌هایی در آن‌ها وجود دارد، که شایسته نیست با این آلودگی‌ها به دیدار پروردگار خود بشتابند. بنابراین برای آن که کار آنان به قیامت نکشد و نیاز به دخول در نار و دوزخ نباشد، در هنگام مرگ فشارهایی را تحمل می‌نمایند. البته اگر میزان آلودگی‌های آنان زیاد باشد، ممکن است که با سختی‌های هنگام جان دادن گوهر وجودشان خالص نشده و نیاز به فشار قبر و عذاب‌های عالم دوزخ باشد. و اگر شیعه‌ای با همه‌ی این فشارها و عذاب‌ها خلوص نیافت و درجه ناخالصی و آلودگی او بالا بود، در نهایت در آتش دوزخ، گداخته می‌شود تا خالص گردد.

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند:

«مَا مِنْ شِيعَةٍ أَحَدٌ يُقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُتَلَى بِبَلِيَّةٍ تُمَحَّصُ بِهَا ذُنُوبُهُ إِمَّا فِي مَالٍ أَوْ وَكَلْدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ مُجْتَبَاً وَمَا لَهُ ذَنْبٌ وَإِنَّهُ لَيَقْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيَسْتَدُّ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ فَيُمَحَّصُ ذُنُوبَهُ - کسی از شیعیان ما نیست که به کاری که از آن بازش داشته‌ایم نزدیک شود و در حالی جان به جان آفرین می‌سپارد که پیش از مرگ به بلیه‌ای دچار شده باشد که با گذراندن آن (آزمون و کشیدن آن سختی) از گناهان خویش یکسره پاک شده باشد خواه در مالش یا در جانش یا در فرزندش تا دوستدار ما را (پروردگار را) در حالی ملاقات کند که هیچ گناهش نباشد، و اگر چیزی از گناهان با او مانده باشد مرگش چندان دشوار آید تا (این رنج دم مردن) گناهان او را پاک سازد.» (تحف العقول ۱۲۳)

وامام سجاد علیه‌السلام فرموده‌اند: «أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتِ السَّاعَةِ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِمَّا إِلَى الْحَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ ثُمَّ قَالَ إِنْ نَجَوْتَ يَا ابْنَ آدَمَ عِنْدَ الْمَوْتِ فَأَنْتَ أَتَتْ وَ إِلا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ يَا ابْنَ آدَمَ حِينَ تُوضَعُ فِي قَبْرِكَ فَأَنْتَ أَتَتْ وَ إِلا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ حِينَ يُحْمَلُ النَّاسُ عَلَى الصَّرَاطِ فَأَنْتَ أَتَتْ وَ إِلا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ حِينَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ فَأَنْتَ أَتَتْ وَ إِلا هَلَكْتَ - سخت‌ترین ساعات انسان سه وقت است: هنگامی که ملک‌الموت را می‌بیند و هنگامی که از گور برخیزد

و هنگامی که در پیشگاه الهی می‌ایستد که یا بهشتی شود و یا جهنمی، سپس فرمود: ای آدمیزاده اگر هنگام مرگ نجات یافتی شخصیت خود را احراز کرده‌ای و گرنه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که به خاک بسپارند نجات یافتی خود را دریافته‌ای و گرنه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که مردم بر سر پل صراط درگذرند نجات یافتی تو شخصیتی داری و گرنه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که مردم در پیشگاه رب العالمین بپا خیزند نجات یافتی تو را مقامی است و گرنه نابودی.» (خصال ج ۱، ص ۱۱۹)

حضرت آیت‌الله مجتبی‌ی‌تهرانی این روایت را چنین معنا فرموده‌اند:

«إن نجوت عند الموت، یعنی اگر هنگام مرگ با فشارهای موت و سكرات موت پاک شدی و نجات یافتی، خوشا به حالت. وَ إِن نَجَوْتَ يَا ابْنَ آدَمَ حِينَ تُوضَعُ فِي قَبْرِكَ، یعنی اگر هنگام قرار گرفتن در قبر با فشار قبر و عذاب‌های آن طاهر شدی، خوشا به حالت و...» (برگرفته از جلسات اخلاقی معظم‌له، جلسه ۹۸۷)

## ۲) عدیله عندالموت

یکی دیگر از مراحل و عقباتی که در هنگام مرگ برای انسان رخ می‌دهد، عقبه عدیله هنگام مرگ است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمت‌الله‌علیه در کتاب نفیس منازل‌الآخره در این باره چنین فرموده‌اند: «عدیله عندالموت یعنی عدول کردن از حق به باطل در وقت مردن و آن چنانست که شیطان نزد محتضر حاضر شود و او را وسوسه کند و به شک اندازد تا او را از ایمان بیرون برد و از این جهت است که در دعاها استعاذه از آن شده و جناب فخرالمحققین فرموده که هر کس بخواهد از آن سالم بماند استحضار کند ادله ایمان و اصول خمس را با ادله قطعی و صفای خاطر، و بسپرد آن را به حق تعالی که در وقت حضور موت به او رد فرماید به این طریق و بعد از ذکر عقاید حقه بگوید: «اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي أُوَدِّعُكَ يَقِينِي هَذَا وَ تَبَاتَ دِينِي وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ وَ قَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَ قَدْ حَضُرَ مَوْتِي» پس بر حسب فرمایش آن بزرگوار خواندن دعای عدیله معروف و استحضار معنی آن در خاطر برای سلامت جستن از خطر عدیله عندالموت نافع است.

و شیخ طوسی رحمت‌الله‌علیه از محمدبن سلیمان دیلمی روایت کرده است که به خدمت

حضرت صادق صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردم که شیعیان شما می‌گویند که: ایمان بر دو قسم است: یکی مستقر و ثابت و دیگر آن که به امانت سپرده شده است و زایل می‌گردد، پس مرا دعائی بیاموز که هر گاه آن را بخوانم ایمانم کامل گردد و زایل نشود. فرمود که بعد از هر نماز بگو: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْمُحَمَّدِ نَبِيًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَ بِعَلِيِّ وَ لِيًّا وَ إِمَامًا وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أُمَّةً فَارْضِنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و از چیزهایی که برای این عقبه سودمند است مواظبت به اوقات نمازهای واجب است. و در حدیثی است که در مشرق و مغرب عالم اهل بیتی نیست مگر آن که ملک الموت در هر شبانه‌روز در اوقات نماز پنج مرتبه به ایشان نظر می‌کند پس هر گاه کسی را که می‌خواهد قبض روح کند از کسانی باشد که مواظب اوقات نماز است پس ملک الموت به او شهادتین را تلقین کند و شیطان را از او دور سازد.

حقیر گوید: که برای عاقبت به‌خیر شدن و از شقاوت به سعادت رسیدن خواندن دعای یازدهم صحیفه کامله: یا من ذکره شرف للذاکرین تا آخر، و خواندن دعای تمجید که در کافی و غیره نقل شده سودمند است و حقیر در کتاب باقیات‌الصالحات ساعات آن را نقل کرده‌ام، و همین‌طور خواندن نمازی که در یکشنبه ذی‌القعدة وارد شده، و مداومت به این ذکر شریف خوب است: «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ - پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آن که ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای» (ال عمران/۸) و تسبیح حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را ادامه دهد و انگشتر عقیق در دست کند به‌ویژه اگر بر آن نقش «محمد نبی الله و علی ولی الله» باشد، و خواندن سوره قد افلح المؤمنون در هر جمعه، و خواندن هفت مرتبه بعد از نماز صبح و نماز مغرب: بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم، و آن که در شب بیست و دوم رجب هشت رکعت نماز گزارد و در هر رکعت حمد یک مرتبه و قل یا ایها الکافرون هفت مرتبه بخواند و بعد از فراغ ده مرتبه صلوات بفرستد و ده مرتبه استغفار کند.»

پایان قسمت دوم سخن شیخ عباس قمی رحمت‌الله‌علیه - کتاب منازل‌الآخره منزل اول، سفر مرگ در سفر آفرت مراحل و منازل دیگری نیز وجود دارد، که در همان کتاب به آن پرداخته شده ولی موضوع این مقاله مرگ بود نه آفرت؛ به همین دلیل به همین دو مرحله اکتفا نمودیم.

## آماده شدن برای مرگ

هنگامی که انسان با شدائد و گرفتاریها، به خصوص به طور ناگهانی مواجه می‌شود، اگر آمادگی نداشته باشد، بیشترین فشار و درد و رنج را متحمل می‌شود. ولی اگر قبل از وقوع شدائد خود را برای برخورد با آنها آماده کند، کمترین رنج و درد و فشار و ضرر را متحمل می‌گردد. سختی‌ها و فشارهای شدید هنگام مرگ و بعد از آن، نیز با کسب آمادگی تا حد بسیار زیادی قابل برطرف شدن می‌باشند. بلکه با آمادگی کامل، نجات کامل از آن شدائد حاصل شده و بلکه مرگ، آغاز راحتی و آسایش او می‌گردد. لذا منجیان بشر علیهم‌السلام انسان‌ها را به کسب آمادگی برای مرگ دعوت نموده‌اند که توجه شما را به چند روایت در این باره جلب می‌نماییم:

۱- امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظَلَّكُمْ - برای مرگ آماده شوید که به تحقیق بر شما سایه افکنده است.» (نهج‌البلاغه خطبه ۶۴)

۲- همچنین فرموده‌اند: «وَلَا تَغْفُلُوا عَنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَهْوَالِ فَإِنَّهُ إِذَا هَجَمَ لَمْ تَرَ مِثْلَهُ مِنْ سَكْرَةٍ يَا لَهَا مِنْ سَكْرَةٍ وَ حَسْرَةٍ يَا لَهَا مِنْ حَسْرَةٍ وَ هَمٍّ يَا لَهُ مِنْ هَمٍّ وَ غَمٍّ يَا لَهُ مِنْ غَمٍّ وَ كَرْبٍ فَاسْتَعِدُّوا لَهُ خَيْرَ مُسْتَعَدٍّ - و از یاد مرگ و هول و هراس‌های بعد از آن غافل نشوید که اگر هجوم آورد، مانند آن در شدت سختی دیده نمی‌شود. ای وای از شدت و حسرتش، ای وای از حسرت و اندوهش، ای وای از اندوه و ناراحتیش، ای وای از ناراحتی و حزنش که سراسر وجود را فرا می‌گیرد.» (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۸۷)

۳- و نیز فرموده‌اند: «همانا مرگ نابود کننده لذات شما و تلخ کننده شهوات شما و دور کننده اهداف شماست. دیدار کننده‌ای است که محبوب نیست؛ حریفی است که شکست نمی‌خورد. طناب‌های صیدش به شما بسته شده و شرورش شما را احاطه کرده و تیرهایش شما را هدف گرفته. شما را به شدت می‌گیرد و آن به آن به شما ظلم می‌کند و کم است که ضربه‌هایش بر شما کاری نباشد. زود باشد که ابرهای سیاهش و دردهای سوزانش و ظلمانی‌ترین سختی‌هایش و آن از هوش رفتن‌های هنگام جان کندنش و دربرگرفتن دردناکش و تاریکی غلیظ و شدیدش و مذاق سختش، شما را فرا بگیرد. مثل این که ناگهان می‌آید و زمزمه‌هایتان را ساکت و جمع‌تان را پراکنده و آثار شما را محو می‌نماید و بر زندگی در دیارتان خط بطلان می‌کشد و ورثه شما را برمی‌انگیزاند تا ارثتان را بین خود تقسیم کنند. بین سه دسته: دوستان خاص که نفعی نمی‌رسانند و نزدیکان غمگین که شری را

برطرف نمی‌کنند و کسانی که خوشحالند و جزع و بیتابی نمی‌کنند. پس بر شما باد به تلاش و کوششی سخت و کسب آمادگی و تحصیل زاد و توشه در دنیایی که محل برگرفتن زاد و توشه است.» (نهج البلاغه خطبه ۲۳۰)

۴- امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مناجات نیمه شب‌های خود خطاب به خدای متعال چنین عرضه می‌داشتند: «إِلَهِي إِنْ ذَكَرْتُ الْمَوْتَ وَ هَوْلَ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُفُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ نَعَّصَنِي مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ أَغْصَنِي بَرِيقِي وَ أَقْلَقَنِي عَنْ وَسَادِي وَ مَنَعَنِي رُقَادِي وَ كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ بَيَاتَ مَلِكِ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ بَلْ كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَ مَلِكُ الْمَوْتِ لَا يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ يَطْلُبُ قَبْضَ رُوحِهِ بِاللَّيَّاتِ أَوْ فِي آتَاءِ السَّاعَاتِ ثُمَّ يَسْجُدُ وَ يُلْصِقُ خَدَّهُ بِالثَّرَابِ وَ هُوَ يَقُولُ أَسْأَلُكَ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عَنِّي حِينَ أَلْفَاكَ - ای خدای من، اگر یاد کنم مرگ را و هول و هراس روز قیامت را که به آن آگاهی داده شده‌ایم و ایستادن در پیشگاهت را، خوردن و آشامیدن را بر من تلخ می‌گرداند و آب دهانم را گلوگیر می‌کند و مرا بر بالشم بی‌قرار می‌سازد و از خوابیدن منعم می‌کند و چگونه بخوابد کسی که می‌ترسد ملک‌الموت در حوادث شب و حوادث روز او را دریابد؟ بلکه چگونه عاقل بخوابد در حالی که ملک‌الموت نه در شب و نه در روز نمی‌خوابد و در شب یا هر ساعت دیگر به دنبال قبض روح اوست. سپس سجده نموده و گونه‌ی خود را به خاک چسبانیده و چنین می‌گفتند: از تو راحتی و آسایش را هنگام مرگ و آمرزش را هنگام ملاقاتت مسئلت می‌کنم.» (بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۷)

۵- در خصوص چگونگی آماده شدن برای مرگ و سفر آخرت امام حسن عسگری علیه‌السلام فرموده‌اند:

«قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الْإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ الْإِسْتِمَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ ثُمَّ لَا يُبَالِي أَوْ وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ - به امیرالمؤمنین گفته شد: آمادگی برای مرگ به چیست؟ فرمودند: انجام واجبات و اجتناب از محرمات و کسب فضائل اخلاقی؛ چنین شخصی باکی از مرگ ندارد. چه به سوی مرگ برود و چه مرگ به سوی او بیاید، برایش فرقی نمی‌کند.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۰)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.